

«مصباح الهدایه»؛ کلید فهم عرفان امام خمینی(ره)

غلامرضا حسین پور با اشاره به اهمیت کتاب مصباح الهدایه بیان کرد: نکته مهم در مورد این کتاب این است...



غلامرضا حسین پور با اشاره به اهمیت کتاب مصباح الهدایه بیان کرد: نکته مهم در مورد این کتاب این است که اگر کسی می خواهد از عرفان امام(ره) مطلع شود چاره ای جز این ندارد که مصباح الهدایه را درست بخواند؛ چراکه موقعیت این کتاب در میان آثار ایشان موقعیتی منحصر به فرد است و برخلاف دیگر آثار امام(ره) در زمینه عرفان و فلسفه، این کتاب شرح و تعلیق نیست بلکه نظرات ایشان در آن بازتاب یافته است.

غلامرضا حسین پور، پژوهشگر عرفان اسلامی

به گزارش ایکننا، غلامرضا حسین پور، عضو هیئت علمی پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، امشب، پنج اردیبهشت در مصلاک امام خمینی(ره)، محل برگزاری بیست و نهمین نمایشگاه بین المللی قرآن به طرح بحث در زمینه کتاب «مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية» نوشته امام خمینی(ره) پرداخت.

وی در ابتدا با اشاره به صاحب نظر بودن امام(ره) در علوم اسلامی بیان کرد: ایشان در زمینه های مختلفی نظیر فقه، اصول و فلسفه دارای نظریه بود اما یکی از عرصه های مهمی که باید از آن یاد کنیم عرفان است. عرفان امام را می توان در سه شاخه صورت بندی کرد: عرفان فلسفی، عرفان عملی و عرفان ذوقی. یکی از نکاتی که تبحر امام(ره) در عرصه عرفان را نشان می دهد تألیفات ایشان است؛ به نحوی که ابتدا و در حالی که کمتر از سی سال سن داشتند دعای سحر را شرح کردند و سپس به تألیف مصباح الهدایه پرداختند.

حسین پور تصریح کرد: امام(ره) در حالی به نگارش تعلیقات فصوص الحکم و مصباح الانس پرداخت که کمتر از سی و پنج سال سن داشت و می توان گفت پیش از اینکه با مرحوم آقای شاه آبادی آشنا شوند، به نگارش شرح دعای سحر پرداختند. چه بسا پیش از اینکه با مرحوم آقای شاه آبادی آشنا شوند نیز استادی داشته اند که البته از این موضوع اطلاع دقیقی نداریم؛ چراکه از نیمه های نگارش دعای سحر با مرحوم شاه آبادی آشنا می شوند.

وی در ادامه افزود: بنابراین نباید چنین تصور کرد که امام(ره) کتاب مصباح الهدایه را تحت تأثیر آقای شاه آبادی نوشته باشد. البته که در شرح فصوص الحکم و تا حدودی مصباح الانس از ایشان متأثر بوده اما در کتاب مصباح الهدایه اینگونه نبوده است. مصباح الهدایه؛ کلید فهم عرفان امام خمینی(ره)

حسین پور با اشاره به کتاب مصباح الهدایه بیان کرد: نکته مهم در مورد این کتاب این است که اگر کسی می خواهد از عرفان امام(ره) مطلع شود چاره ای جز این ندارد که مصباح الهدایه را درست بخواند؛ چراکه موقعیت این کتاب در میان آثار امام موقعیتی منحصر به فرد است. ایشان در ابتدا به عرفان فلسفی اشتغال داشتند اما در ادامه و در میانه سی و هشت تا چهل و سه سالگی، کتاب هایی در زمینه عرفان عملی به رشته تحریر درآوردند که از جمله می توان از شرح حدیث جنود عقل و جهل سخن گفت. امام(ره) در ادامه وارد تقریر مباحث فلسفی شدند و در چهل و هشت سالگی از مباحث عرفان و اخلاق و فلسفه فاصله گرفتند و وارد مباحث خارج فقه و اصول شدند. البته تا پیش از اینکه فقه و اصول را در حد سطوح تدریس می کردند اما از چهل و هشت سالگی به بعد درس خارج فقه و اصول را آغاز کردند و دیگر وارد مباحث عرفانی نشدند؛ هرچند که عرفان همواره با ایشان بود و پس از انقلاب نیز وقتی می خواست به تفسیر قرآن بپردازد به تفسیر عرفانی قرآن پرداخت. حتی وقتی می خواهد به گورباچف نامه بنویسد از حکمایی نظیر ابن عربی و فارابی سخن به میان می آورد.

«مصباح الهدایه»؛ کلید فهم عرفان امام خمینی(ره)

وی تصریح کرد: اما در باب خاص بودن کتاب مصباح الهدایه باید بگویم که دیگر آثار امام(ره) در زمینه فلسفه و عرفان عمدتاً شرح و تعلیقه هستند اما کتاب مصباح الهدایه این چنین نیست و تراوشات خود امام(ره) محسوب می شود؛ تا این کتاب خوانده نشود، دیگر آثار امام(ره) نیز فهم نخواهد شد. حتی شرح دعای سحر نیز در پرتو همین کتاب قابل فهم است. برای نمونه ایشان در شرح دعای سحر از اسم «الله» بحث می کنند اما شرح این مباحث را می توان در مصباح الهدایه پیگیری کرد. طرح ریشه ولایت باطنی

حسین پور بیان کرد: نکته دیگر در باب این کتاب اینکه در سن بیست و نه سالگی نگارش شده و سیدجلال آشتیانی هم که هر کسی را قبول نداشته بر این کتاب مقدمه مهمی نوشته است. امام در این کتاب می خواهد ریشه ولایت باطنی را مطرح کند. البته اینکه این نظریات چه تأثیراتی در نظرات امام(ره) در باب ولایت فقیه داشته خود بحث مستقل دیگری است اما امام(ره) در این کتاب می خواهد بگوید که ریشه ولایت و خلافت کجا است.

وی در ادامه افزود: در بخش نخست کتاب، نظریه پردازی های امام(ره) در باب فیض اقدس آمده است؛ یعنی نیمی از کتاب در باب فیض اقدس و نیمی دیگر در باب فیض مقدس و عقل و ولایت بر نشئه ظاهری است. اینها همه در دستگاه فکری ابن عربی مطرح می شود. امام(ره) این مکتب را می پسندد و در چارچوب این مکتب قلم می زند. فیض اقدس نیز از مبانی عرفانی ابن عربی است. در مراتب نظام وجود از ذات اقدس اله تا نشئه مادی، دو صقع داریم؛ ربوبی و خارج از صقع ربوبی. صقع ربوبی ذات و احدیت و واحدیت را دارد و بعد وارد عالم ارواح و مثال و ماده می شویم. همچنین حق تعالی دو فیض دارد؛ یکی فیض اقدس و یکی فیض مقدس. البته به تعبیر دقیق تر حق تعالی یک تَقَس دارد و آن هم نفس رحمانی است. امام(ره) می گوید با نفس رحمانی حق تعالی موجودات به منصف ظهور می رسند؛ بنابراین همه چیز به این دو فیض می رسد.

این پژوهشگر عرفان و فلسفه در ادامه افزود: امام(ره) در این زمینه ها نظریه پردازی می کند و می گوید فیض اقدس که ولی مطلق است، باطن اسم «الله» است. ریشه نبوت نیز در اسم الله است. ریشه نبوت در نشئه ظاهری در فیض اقدس است و امام می گوید ولی از اوصاف الهی است اما نبی اینطور نیست و نمی توانید بگویید خدا نبی است؛ چون اسماء الهی توقیفی اند؛ یعنی زمانی می توانیم خدا را با یک اسم بخوانیم که در قرآن یا سنت قطعی پیامبر (ص) و معصومین (ع) آمده باشد. خدا را باید به اسامی ای خواند که خودش معین کرده است، نه اینکه اسمائی را به خدا منسوب کنیم. شرح دعای سحر امام(ره) را چه زمان می توان فهمید؟

وی تصریح کرد: اینها باید دانسته شود که نظام خلقت از دید امام فهم شود. آن وقت در دعای سحر تازه می فهمیم که مراد امام چیست. اول می گوید من از تو به اسم جمیلت می خواهم و بعد می گوید تمام اسماء تو جمیل هستند و بعد می گوید همه را می خواهم. تا مصباح را نخوانیم، نمی توانیم این بحث ها را بفهمیم. در حقیقت مقام بسط این ها در مصباح الهدایه است.

«مصباح الهدایه»؛ کلید فهم عرفان امام خمینی(ره)

حسین پور بیان کرد: ولایت نیز ساری و جاری است و با فیض مقدس نشئات خلقی ایجاد می شود. فیض مقدس مقام اهل بیت(ع) است و نظریه پردازی های آن را امام مطرح می کند. همچنین فیض مقدس باعث ظهور خلق است اما فیض اقدس خودش در کمون و بطون است و اسم «الله» را بروز می دهد و فیض مقدس نیز در نشئات خلقی باعث بروز اعیان خلقی می شود.